

تحلیل داده‌بنیاد از چالش‌های تامین اجتماعی مهاجران ساکن در تهران مورد مطالعه: اتباع مراجعه‌کننده به اداره کل تامین اجتماعی غرب تهران بزرگ^۱ مهدی بیات^۲، حسین آقاجانی مرسا^۳، زهرا حضرتی صومعه^۴

چکیده

مهاجران پس از ورود به ایران، با چالش‌هایی در زمینه تامین اجتماعی مواجه می‌شوند. هدف مطالعه حاضر، بررسی چالش‌های فراروی مهاجرین و اتباع در حوزه تامین اجتماعی است. روش تحقیق کیفی و جامعه مورد مطالعه، اتباع مراجعه‌کننده به اداره کل تامین اجتماعی غرب تهران بزرگ بودند. نمونه تحقیق، به شیوه «هدفمند» و «نظری» انتخاب و بعد از مصاحبه با ۵۰ نفر از آن‌ها، اشباع نظری حاصل شد. پس از تحلیل داده‌ها، ۴۲۵ کد اولیه، ۷۸ مقوله فرعی و ۱۴ مقوله اصلی استخراج شد. پدیده محوری «فقر دانشی از قوانین و خدمات» است. شرایط علی حاکم بر پدیده محوری، «سلب امتیازات حقوق کارگری، سستی منزلت شغلی و ابهام در وضعیت ماندگاری» هستند. زمینه‌های موجود نیز «ناهمسانی در ارائه خدمات بیمه‌ای، ضعف تمکن مالی مهاجرین و سختگیری قوانین مهاجرتی» هستند که تحت تاثیر شرایط مداخله‌گر «ضعف عملکرد تامین اجتماعی، حس فرودستی و خودپنداره منفی تبعه‌بودن» پدیده محوری را متأثر می‌سازند. راهبردهای اتخاذشده از سوی اتباع، «ارتباطات و کنش‌های هم‌ارز و سیاست امنیت بقاء» هستند. نتایج نشان می‌دهد که توجه به عملکرد سازمان‌های ذیربط در جهت رفع تبعیض نسبت به مهاجرین و ارائه بسته‌های دانشی به منظور ارتقای آگاهی آن‌ها از حقوق و مقررات تامین اجتماعی می‌تواند بخشی از چالش‌های آن‌ها را رفع کند.

واژگان کلیدی: مهاجرین، تامین اجتماعی، فقر دانشی، حقوق شهروندی، سستی منزلت شغلی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۹

۱ این مقاله مستخرج از بخشی از رساله دکترای نویسنده اول است.

۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات mehdi.bayat@srbiau.ac.ir

۳ دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول) a-marsa1333@yahoo.com

۴ دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی hazrati14@yahoo.com

DOI: <https://dx.doi.org/10.22034/jpai.2021.538986.1197>

مقدمه و بیان مسئله

پدیده مهاجرت مردم به کشورهای همسایه، یکی از اشکال مهاجرت بین‌المللی است که در دهه‌های مقصد می‌گردد (کمیسری عالی ملل متحد برای پناهندگان^۱، ۲۰۰۳: ۲۳). ایران نیز با این پدیده مواجه بوده و طبق آخرین آمارهای سازمان جهانی مهاجرت، ایران در سال ۱۳۹۸ میزبان حدود ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر مهاجر بین‌المللی بوده است. از این تعداد، ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر، مهاجرین افغانستانی، ۸۴۰۱ نفر عراقی و ۲۷۱۰ نفر مهاجرین پاکستانی بوده‌اند. علاوه بر این، از مهاجران حاضر در ایران، ۹۷۹ هزار نفر پناهنده محسوب می‌شوند (خبر آنلاین، ۱۳۹۹). این مهاجرت که «نوعی مهاجرت اضطراری یا اجباری ناسالم توأم با تخریب است» (جمشیدیها و عنبری، ۱۳۸۳: ۴۵)، برای هر دو جامعه مبدأ و میزبان پیامدهایی داشته است که در بررسی مسائل اجتماعی جامعه میزبان این پیامدها از حیث ارائه خدمات و امکانات رفاهی حائز اهمیت و تأثیرگذار است.

مطالعه رفتارها و مطالبات رفاهی این مهاجران و اتباع، پس از ورود به بستر اجتماعی جدید جامعه ایران و درجه تغییر و تداوم رفتارها و مطالبات رفاهی آنان، چالش‌هایی را برای تامین اجتماعی ایجاد می‌کند. سازمان تأمین اجتماعی بر اساس قانون، موظف به ارائه خدمات و تعهدات تعریف شده برای جامعه تحت پوشش خود بوده و به جهت گستردگی و تنوع در حوزه فعالیت‌ها و خدمات نیازمند اطلاع‌رسانی جامع، بهنگام و متناسب با دانش، تخصص و آگاهی افراد مختلف اعم از اتباع ایرانی و خارجی می‌باشد. کلیه اتباع خارجی که به صورت قانونی در ایران اشتغال به کار دارند، مشمول قانون تامین اجتماعی می‌باشند. اتباع خارجی دارای پروانه کار معتبر که به عنوان کارگر در کارگاه‌های مشمول قانون تامین اجتماعی شاغل‌اند، می‌بایست طبق قوانین و مقررات فوق، تحت پوشش بیمه قرار گیرند. اتباع خارجی که به صورت خویش فرما در فعالیت‌های مشمول قانون تامین اجتماعی اشتغال دارند، با ارائه پروانه کار معتبر، می‌توانند با انعقاد قرارداد تحت پوشش حمایت‌های بیمه‌ای مقرر در قانون بیمه

صاحبان حرف و مشاغل آزاد شامل بازنشستگی، از کارافتادگی، فوت و خدمات درمانی قرار گیرند.

اکثر اتباع خارجی که سالیان سال در ایران اقامت داشته و تاکنون به کشورشان بازنگشته و سابقه کار دارند، به علت عدم بهره‌مندی از بیمه، مشمول هیچگونه خدمات و مزایای بیمه‌ای نمی‌شوند. طبق آمار وزارت کشور (۱۳۹۹)، حدود یک میلیون و سیصد هزار نفر از این افراد دارای مجوز کار بوده و مجوز اقامت قانونی دارند که اگر تعداد بیشتری از این افراد از خدمات تأمین اجتماعی بهره‌مند باشند هم به نفع خود آن‌هاست که از خدمات این سازمان بهره‌مند شوند و هم تأمین اجتماعی تعداد بیمه‌شدگان بیشتری را تحت پوشش قرار داده و با این اقدام تا حد امکان در راستای کاهش آسیب‌های اجتماعی این افراد اقدام بایسته انجام می‌دهد. فعالیت اداره کل اتباع در سازمان تأمین اجتماعی از سال ۱۳۹۴ و بر اساس ماده ۵ قانون تأمین اجتماعی آغاز شده و در مدت حدود پنج سال از تشکیل اداره کل اتباع بیگانه در این سازمان و اجرای بخشنامه‌های مربوطه، چالش‌ها و مشکلاتی برای اتباع و همچنین سازمان در نحوه بیمه‌کردن و استفاده از خدمات بیمه‌ای و درمانی اتباع و خانواده‌های تحت پوشش شناسایی شده است. از این‌رو «دولت‌ها به دنبال ایجاد ساز و کار قانونمند و منصفانه و در عین حال، باثبات هستند تا بتوانند خطرات امر مهاجرت را کاهش دهند» (آزادی، ۱۳۹۸: ۲۷).

با وجود این، جمع‌آوری اطلاعات دقیق از ویژگی‌های کمی و کیفی مهاجران بین‌المللی مشکل است. بر اساس ماده ۵ قانون تأمین اجتماعی، اتباعی که در ایران اشتغال به کار دارند باید تحت پوشش خدمات تأمین اجتماعی قرار گیرند. بخش زیادی از اتباع کشورهای افغانستان، هند، پاکستان و عراق که در ایران حضور دارند «بدون هیچ مدرک هویتی و به دلیل نبودن مرجع کنترل‌کننده‌ای بر آنان به علت نداشتن هیچ مدرک شناسایی، آزاد در شهر سکونت داشته و به دلیل نداشتن مدارک هویتی» از امکانات تأمین اجتماعی برخوردار نیستند (براتی، خسروی و شعبانی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۱۳۴). از این‌رو، دولت/ملت‌ها به دنبال راه‌هایی هستند که از طریق آنها تفاوت‌های بین عضویت قانونی و غیرقانونی را آشکار کنند که این ملی‌سازی حقوق رفاهی

پیامدهای عمیقی برای حقوق اجتماعی مهاجران داشته و منجر به اختلافات شدیدی بین خانواده‌های مهاجران و شهروندان در دولت‌های رفاهی شده است. شکل‌گیری تفاوت‌ها از صوری‌ترین گزاره‌های ملی تا استحقاق در قانونگذاری گرفته تا اقدامات روزمره سازمان‌های دولتی کنترل‌کننده جامعه را در بر می‌گیرد. از این منظر، با پرسش‌هایی نظیر «با چه مکانیسم رفاهی و از طریق چه نوعی از نظام رفاهی باید آینده مردم را تامین کرد؟ چه کسانی و تحت چه شرایطی باید خدمات رفاهی دریافت کنند؟ شکل گرفته است» (اورشات، اپیلکا و بریگیت، ۱۳۹۶: ۲۵۵). لذا، این پژوهش به تحلیل داده‌بنیاد چالش‌های فراروی مهاجرین درخصوص تامین اجتماعی خود در غرب تهران می‌پردازد و با استراتژی داده‌بنیاد درصدد است به این پرسش پاسخ بدهد که مهمترین پدیده چالش‌برانگیز مهاجرین و اتباع در تامین اجتماعی خود چیست و شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای حاکم بر این پدیده محوری کدامند؟

پیشینه تجربی تحقیق

قبل از ارائه پیشینه مطالعاتی، لازم به ذکر است که در بین محققان، تحقیقات کمی در خصوص چالش‌های تامین اجتماعی در حوزه اتباع انجام گرفته است. این قلت مطالعاتی در بین محققان داخلی از نمود بیشتری برخوردار است. البته تحقیقات مشابه و انگشت‌شماری از منظر حقوقی در خصوص بیمه اتباع صورت گرفته، اما از منظر رفاهی و تامین اجتماعی و روش تحقیق کیفی و استراتژی داده‌بنیاد، پژوهش حاضر نوآورانه می‌باشد.

براتی، خسروی و شعبانی‌نژاد، (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «حق دسترسی کارگران مهاجر به حمایت‌های تامین اجتماعی به موجب اسناد بین‌المللی و موافقت‌نامه‌های دوجانبه کار» نشان می‌دهند که ضعف ضمانت اجرای اسناد بین‌المللی و نیز تفاوت اقتصادی میان کشورها باعث شد بسیاری از کارگران مهاجر از حمایت‌های تامین اجتماعی محروم گردند. در این میان، موافقت‌نامه‌های دوجانبه کار به دلیل انطباق با واقعیات اقتصادی کشورها به شکل بهتری می‌تواند دسترسی کارگران مهاجر به حمایت‌های تامین اجتماعی را تضمین کند. مهربانی

(۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بیمه اتباع خارجی در ایران» به بررسی بیمه اتباع خارجی پرداخته است. این پژوهش با اشاره به شرایط و ضوابط بیمه اجتماعی اتباع بیگانه در ایران به میزان حق بیمه قابل پرداخت و تعهدات سازمان تأمین اجتماعی در قبال این افراد پرداخته و نشان می‌دهد که حقوق اتباع در این حوزه بخوبی تأمین نمی‌شود. علی‌خانی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «حق اشتغال و حقوق کار مهاجرین خارجی در ایران و اسناد بین‌المللی» نشان می‌دهد که حضور نیروی کار بیگانه باعث کاهش ضریب امنیت شغلی در بازار کشور، تغییر فرهنگ اشتغال، نبود بهداشت روانی برای نیروی کار داخلی، کاهش درآمد ناخالص ملی از طریق انتقال ارز و کسب رایگان مهارت در صنایع و بروز پاره‌ای مشکلات اجتماعی و امنیتی شده است. زاهدی، پوراحمد و زیاری (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با عنوان «سنجش کیفیت زندگی شهری مهاجران افغان مقیم ایران (رباط کریم)» نشان می‌دهد که با اقداماتی از قبیل توجه بیشتر نهادهای مرتبط با مهاجران، اجازه تشکیل نهادهای مدنی مهاجران، تسهیل شرایط تحصیل در ایران، به رسمیت شناختن حقوق مهاجران در دعاوی حقوقی و دادن اقامت قانونی یا شناسنامه ایرانی برای مهاجران متولد ایران می‌توان تأمین اجتماعی و کیفیت زندگی آن‌ها را بالا برد.

کارنی و بوچر^۱ (۲۰۱۰) به بررسی «تأمین اجتماعی و مهاجرت» پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مهاجرت با مشکلاتی از جمله شهروندی درجه دوم، ناآگاهی نسبت به حقوق خود و دستمزدهای پایین روبرو هستند. افزون بر این، سیاست‌های کشورها نسبت به کارگران مهاجر اغلب تبعیض‌آمیز است. برون و کریستینسن^۲ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «سیاست‌گذاری‌های رفاهی و حق نسبت به شهر: حقوق وظایف و شهروندی» معتقدند شهروندی شهری شامل تمام افرادی است که فارغ از بومی بودن، بومی نبودن و اختلاف‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، زبانی، تاریخی، ساکن شهر هستند. آنان از حقوق و وظایف برابر در شهر برخوردارند.

در مجموع، مطالعات این حوزه بیشتر مسائل حقوقی اتباع را مورد بررسی قرار داده‌اند و سعی کرده‌اند از منظر حقوق عمومی و حقوق بین‌الملل مسائل مهاجرت را بررسی کنند. افزون

1 Carney & Boucher

2 Brown & Kristiansen

بر این، از حیث روشی بیشتر توصیفی و مروری هستند و کمتر از منظر خود اتباع و با نگاهی درونی و استراتژی داده‌بنیاد به چالش‌های تامین اجتماعی آن‌ها پرداخته‌اند. در نهایت اینکه مطالعات این حوزه از نظر تئوریک و مبانی نظری بیشتر ادبیات نظری مهاجرت را مدنظر قرار داده و به اشتباه مسئله را از منظر مهاجرت بین‌الملل و مسائل مترتب بر آن دیده‌اند.

چارچوب مفهومی تحقیق

از حیث تئوریک، تا مدت‌ها «این هویت ملی بود که شرایط را برای عضویت مشروع و قانونی در جامعه رفاه فراهم می‌کرد. به سخن دیگر، عضو ملت بودن اساس مطالبه رفاه از دولت است. این هویت ملی با رادیکالیزه و قومیت زدایی از هویت‌های مشترک اجتماعات خاص همراه بود و این عضویت مشروع و قانونی، اغلب با تفاوت‌های آشکار بین خود ملی و دیگری آشکار می‌شد» (اورشات و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۵۶-۲۶۷). لذا بنیان‌های تئوریک رفاه و تامین اجتماعی مهاجران و اتباع، بر اساس معیارهای شهروندی و تفاوت در عضویت مشروع و قانونی به دولت/ملت قرار دارد. از این منظر، در رویکردهای مختلف پرسشهایی نظیر: «چگونه می‌توان مزایای رفاهی را با توجه به کرامت انسانی عادلانه توزیع کرد؟ تا چند اندازه باید برای افراد عادی مهاجران و اتباع] به افراد عامل [شهروندان قانونی] منابع تخصیص داد؟ چگونه می‌توان فلاکت گروههای دارای انگ را رفع و به آن‌ها ارزش و احترام داد؟» (الدیلد^۱، ۱۹۹۰). شکل گرفته که رویکردهای نظری مختلف درصدد پاسخ به آن‌ها برآمده‌اند. در ادامه به این رویکردها اشاره می‌شود که بر مفاهیمی همچون «استحقاق»، «نیاز»، «قبول عضویت»، «خودگردانی»، «وظایف و تکالیف»، «شهروندی» و «حقوق انسانی» استوار هستند.

در رویکرد «شهروندی متفاوت»، یکی از مبانی اصلی شهروندی از منظر لیبرال دموکراسی، برابری است. در واقع برابری نتیجه باور به فردگرایی است. برابری یعنی این باور که افراد، حداقل از لحاظ ارزش اخلاقی برابر به دنیا می‌آیند. این باور در تعهد لیبرالیسم به حقوق و امتیازات برابر، به‌ویژه به صورت برابری قانونی و برابری سیاسی بازتاب یافته است. فرض بر

این است که همه شهروندان، اشخاصی آزاد، برابر و در جایگاه شهروندی، افرادی همگون باشند. این امر مستلزم تفکیک میان حقوق و تعهدات فرد به‌مثابه یک شهروند و عضویت وی در گروه‌های خاص بر پایه قومیت، زبان، مذهب، طبقه و شأن اجتماعی و ویژگی‌های خاص محلی و فرهنگی است (عبدلهی و روحی، ۱۳۹۷: ۴۱-۴۲). این رویکرد شهروندی در مورد جوامعی نیز مصداق دارد که شهروندان طبقه‌بندی شده و به درجه‌ها و دسته‌های گوناگون تقسیم می‌شوند. به موجب این رویکرد برخی شهروندان از مزایای بسیاری برخوردارند، برخی دیگر نیز از بسیاری از مزایا و امکانات اجتماعی، محروم هستند. مکانیزم حذف می‌تواند از طریق راهکارهای قانونی و یا از طریق اقدامات و فعالیت‌های غیررسمی صورت پذیرد. (محبوبی شریعت‌پناهی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۳)

بنکس^۱ (۲۰۰۸) در تئوری خود از شهروندی، چهار نوع شهروندی یاد می‌کند و حق رفاه و تأمین اجتماعی را بر اساس آن‌ها متفاوت می‌بیند. «اولین سطح شهروند قانونی^۲ می‌باشد که پایین‌ترین سطح شهروندی به حساب می‌آید. در این سطح شهروندانی قانونی اعضای قانونی دولت-ملت هستند و از وظایف و حقوق اجتماعی و رفاهی مشخصی برخوردارند. دومین سطح شهروند حداقلی^۳ است که شهروندان قانونی محسوب می‌شوند و در فرایند انتخابات محلی و ملی مشارکت دارند و به کاندیداها و اشخاص رأی می‌دهند. سومین سطح شهروندی فعال^۴ است که در ضمن شرکت در رأی‌گیری در راستای بالفعل کردن قوانین و مقررات موجود و اجرای آن نیز فعالیت می‌کنند. این نوع شهروندی در فعالیت‌های اعتراضی در خصوص مسائل جاری، تغییر و تحولات و مطالبات رفاهی شرکت می‌کنند. چهارمین سطح شهروندی تحولی^۵ است که شامل فعالیت‌های مدنی می‌شود که برای بالفعل کردن ارزش‌ها، اصول اخلاقی و مقررات فراسوی قوانین و مقررات جاری در جهت اجرای عدالت اجتماعی می‌باشد؛ و حتی شاید این کارشان قوانین و مقررات جاری را به چالش بکشاند و یا موجب لغو آن شوند». ترنر^۶ (۲۰۰۰: ۳۷) نیز معتقد است

1 Banks

2 Legal Citizen

3 Minimal Citizen

4 Active citizen

5 Transformative Citizen

6 Turner

در جوامع مدرن جایی که نابرابری اجتماعی با عقلانیت اقتصادی توجیه می‌شود، شهروندی می‌تواند به‌مثابه مذهب مدنی در جهت انسجام اجتماعی عمل کند. فرد می‌تواند گستره مطالعات شهروندی را در رابطه متقابل هویت، اجتماع، فضیلت مدنی و منابع کشف کند. وقتی حقوقی به‌عنوان موقعیت رسمی نهادینه می‌شود، استحقاق رسمی برای منابع کمیاب را به مردم اعطاء می‌کند. شهروندی نیز بر دسترسی افراد و گروه‌ها به منابع نظارت می‌کند در این اجتماع، افراد با شهروندشدن هویتی کسب کرده و دارای فضیلت مدنی می‌شوند؛ یعنی تعلقات و وابستگی نسبت به اجتماع سیاسی پدید می‌آید و از این طریق حقوق اجتماعی و رفاهی کسب می‌کنند.

رالز^۱ (۲۰۰۱a) نیز از منظر عدالت به حق رفاه و تامین اجتماعی افراد می‌پردازد و براین اساس استدلال می‌کند باید افراد فارغ از تعلقات اجتماعی/سیاسی از حقوق و پایه حداقلی برخوردار باشند. از نظر رالز، از جمله واقعیت‌های موجود در جوامع، واقعیت تکثرگرایی معقول است. نظامی پایدار می‌ماند که بر اثر اختلاف میان آموزه‌ها پاره پاره نشود. رالز ایده جامعه شرافتمند و مفهوم حقوق اقلیت را با یک جامعه فرضی روشن‌تر می‌کند. «در این جامعه، حکومت دارای ساختار سلسله شرافتمند است» (رالز، ۲۰۰۱b: ۷۶). وی بر حق عمومی تاکید می‌کند که «در قانون دولت‌ها موظفند نیازهای تامین اجتماعی یکسانی را پذیرفته باشند و حقوق بنیادین افراد را تا آخرین لحظه زندگی تامین کنند» (نیکوئی، ۱۳۹۱: ۱۴۳). وی معتقد است که «افراد باید «خودشان به‌عنوان هدف محترم باشند. بهترین شیوه تامین این احترام برخورداری از تمام اصول حقوق فردی است که دربرگیرنده نفع مشترک باشد. رالز به تعادل میان حمایت از حقوق فردی و مساوات‌طلبی از طریق حذف نابرابری‌ها می‌رسد و اشاره می‌کند که منابع حمایت اجتماعی نخستین، آزادی، فرصت‌های مناسب، درآمد و ثروت است که منابع احترام به خود است و باید به طور برابر توزیع شوند. در این تفکر شهروندی به‌عنوان بخشی از فرایند تکاملی به سوی جامعه عقلانی‌تر، درست‌تر و بهتر توصیف شده است» (شیانی، ۱۳۸۱: ۹-۲۴).

در مجموع، از حیث مفهومی می‌توان گفت که تامین اجتماعی و تدارک حقوق اجتماعی برای همه افراد، فارغ از پیشینه، مکان زندگی و تفاوت‌های نژادی و قومی باید به‌عنوان یک اصل

بنیادین پذیرفته شود و افراد بومی و غیربومی (اتباع و مهاجران)، به‌عنوان انسان به‌مثابه هدف پذیرفته شوند. تأمین اجتماعی آن‌ها بر اساس همبستگی اجتماعی برآورده شود و بتوانند از نظر رفاهی از حقوق پایه برخوردار شوند. دولت‌ها باید اولویت قراردادن عضویت آنها، سیاست هویت و سیاست به رسمیت شناسی را در نظر گرفته و از این طریق یک رابطه متعادل بین حقوق و تکالیف اجتماعی آن‌ها برقرار کنند که در قبال دریافت خدمات رفاهی و اجتماعی، مسئولیت‌ها و تکلیف خود را بازشناسند.

روش و داده‌های تحقیق

روش تحقیق مطالعه حاضر «کیفی» و با استفاده از استراتژی «داده‌بنیاد» انجام گرفته است. از لحاظ هدف، کاربردی است و از لحاظ شیوه اجراء از نوع تحقیقات کیفی می‌باشد. از لحاظ زمانی به شکل مقطعی و در شش ماه دوم سال ۱۳۹۸ انجام شده است. جامعه مورد مطالعه این تحقیق تعدادی از اتباع مراجعه‌کننده به شعب و دفاتر کارگزاری اداره کل تأمین اجتماعی غرب تهران بزرگ می‌باشند. نمونه‌گیری به صورت «هدفمند» و «نظری» انجام گرفت. در نمونه‌گیری هدفمند افراد با توجه به اهداف تحقیق انتخاب شدند. در ادامه، با تحلیل اولیه داده‌ها و مفاهیم مستخرج‌شده، مصاحبه‌ها بر اساس الگوی نظری ادامه یافت. مصاحبه‌ها نیز به شیوه عمیق صورت گرفت. به این معنا با پیش‌کشیدن چالش‌های اولیه، از جمله مسائل هویتی و نداشتن شناسنامه، ذهنیت آن‌ها نسبت به مسائل باز می‌شد. در مصاحبه‌های انجام شده (پژوهشگر که خود از پرسنل تأمین اجتماعی می‌باشد) در پوشش کارمند واحد بیمه‌شدگان شعب (جایگاه مسئول بیمه نمودن اتباع بیگانه) ضمن انجام امور بیمه‌ای مربوطه اتباع، در یک شرایط عادی و در همان فضای کاری مصاحبه‌های خود را نیز انجام داده است.

در مصاحبه‌های صورت گرفته تلاش شده تا از تمامی گروه‌های سنی مراجعه‌کننده و از همه مسائل و مشکلات مراجعه‌کننده (بیمه زنان خانه‌دار، بیمه اجباری، اختیاری و حرف و مشاغل آزاد) مصاحبه صورت گیرد تا هدف دستیابی به بیشترین اطلاعات در خصوص پدیده مورد بررسی حاصل شود. انجام مصاحبه و جمع‌آوری داده‌ها فقط در شعب ۱۱، ۱۰، ۲۵ و ۲۶ و

دفاتر کارگزاری‌های تحت پوشش آن‌ها که امکان کشف گوناگونی‌ها را به حداکثر برساند و مقوله‌ها را از لحاظ ویژگی و ابعاد غنی کند صورت گرفته است. در خصوص تعداد افراد نمونه، نیز از بین اتباع مراجعه‌کننده به شعب و دفاتر کارگزاری‌ها که شاید تعداد آن‌ها در هفته به حدود ۱۰ نفر می‌رسد با انجام مصاحبه عمیق از ۵۰ نفر از اتباع بیگانه مرد و زن مراجعه‌کننده، دیگر مطالب جدیدی بدست نیامده و به نوعی پژوهشگر به اشباع نظری دست یافته است. تحلیل داده‌ها نیز بر اساس سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام گرفت. به منظور تامین اعتبار داده‌ها نیز علاوه بر اینکه از نظر اساتید و متخصصان در تحلیل داده‌ها استفاده شد، در خلال گردآوری داده‌ها از سوال کنترلی به منظور اطمینان از پاسخ‌ها و کاذب نبودن آن‌ها، بازبینی مداوم، یادداشت‌برداری نکات حساس (علاوه بر ضبط داده‌ها) و نیز ارائه نقل‌قول‌ها به منظور استنادپذیری استفاده شد. به لحاظ رعایت مسائل اخلاقی و کسب اطلاعات بیشتر و دقیق‌تر بنا به شرایط موجود در مصاحبه از زنان خانه‌داری که باردار بوده‌اند، از همکار خانم در کنار محقق استفاده شده تا مصاحبه توسط ایشان صورت گرفته و محقق بصورت غیرمحمسوس نسبت به ثبت و ضبط نکات مهم اقدام نماید. علاوه بر این، از ذکر مسائل شخصی و خانوادگی آن‌ها خودداری شد.

یافته‌ها

به منظور ارائه یافته‌های تحقیق، ابتدا توصیفی از مختصات زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان ارائه شده است. همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، مختصات زمینه‌ای در قالب سن، جنس، تابعیت، وضعیت تاهل، سابقه بیمه، نوع بیمه، مدت اقامت در ایران، وضعیت اشتغال و درصد بیمه ارائه شده است که در ادامه به آنها پرداخته شده است.

جدول ۱- مشخصات مشارکت کنندگان در پژوهش

ردیف	شماره بیمه	سن	تبعه	وضعیت تاهل	وضعیت سابقه حق بیمه	وضعیت اشتغال	مدت اقامت در ایران	نوع بیمه
۱	۲۴۷۰۷۹۱۷	۲۷	افغانستان	متاهل	-	خانه دار	-	زنان خانه دار
۲	۲۴۷۰۶۸۰۳	۴۹	افغانستان	متاهل	۱۰ ماه	کارگر	۲۰ سال	مشاغل آزاد
۳	۲۴۷۰۷۲۷۸	۲۳	افغانستان	متاهل	-	خانه دار	-	زنان خانه دار
۴	۲۰۵۰۴۹۴۹	۲۷	افغانستان	متاهل	۲ سال	کارمند	۴ سال	اجباری
۵	۲۴۷۰۶۴۵۲	۴۶	افغانستان	متاهل	۱ سال	آزاد	۲۵ سال	مشاغل آزاد
۶	۲۴۷۰۸۱۸۶	۲۶	افغانستان	متاهل	-	خانه دار	-	زنان خانه دار
۷	۲۴۷۰۶۴۰۵	۳۴	افغانستان	متاهل	-	کارگر	۱۵ سال	مشاغل آزاد
۸	۲۰۵۰۹۳۰۵	۲۵	افغانستان	متاهل	-	آزاد	۲ سال	مشاغل آزاد
۹	۲۴۷۰۶۵۸۶	۲۷	افغانستان	متاهل	۸ ماه	کارمند	۲ سال	زنان خانه دار
۱۰	۲۴۷۰۶۵۵۲	۳۴	افغانستان	متاهل	۳ سال	کارگر	۱۹ سال	مشاغل آزاد
۱۱	۲۴۷۰۷۲۳۱	۳۰	افغانستان	متاهل	-	خانه دار	-	زنان خانه دار
۱۲	۲۴۷۰۶۸۰۳	۲۶	افغانستان	متاهل	-	خانه دار	۲۶ سال	زنان خانه دار
۱۳	۲۰۵۱۰۶۴۶	۲۰	افغانستان	مجرد	-	آزاد	-	مشاغل آزاد
۱۴	۲۰۴۸۳۶۰۸	۵۵	هند	متاهل	۸ سال	کارمند	۲۲ سال	اجباری
۱۵	۲۰۵۱۰۴۹۸	۲۴	افغانستان	متاهل	-	کارگر	۳ سال	اجباری
۱۶	۲۰۴۷۸۵۸۱	۴۵	عراق	متاهل	۹ سال	کارمند	۲۰ سال	اجباری
۱۷	۲۰۴۱۹۷۱۸	۵۴	افغانستان	متاهل	۲۲ سال	آزاد	۲۵ سال	مشاغل آزاد

ادامه جدول ۱- مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	شماره بیمه	سن	تبعه	وضعیت تاهل	وضعیت سابقه حق بیمه	وضعیت اشتغال	مدت اقامت در ایران	نوع بیمه
۱۸	۲۴۷۰۶۲۶۰	۲۴	افغانستان	متاهل	۲۸ روز	خانه دار	-	زنان خانه دار
۱۹	۲۴۷۰۶۸۵۵	۱۹	افغانستان	متاهل	۲۸ روز	خانه‌دار	-	زنان خانه دار
۲۰	۲۴۷۰۷۱۱۷	۳۵	افغانستان	متاهل	-	کارگر	۱۷ سال	مشاغل آزاد
۲۱	۲۰۴۵۶۱۰۹	۴۸	عراق	متاهل	۱۴ سال	کارمند	۱۴ سال	اجباری
۲۲	۲۴۷۰۶۹۹۰	۳۰	افغانستان	متاهل	-	خانه‌دار	-	زنان خانه دار
۲۳	۲۴۷۰۶۷۵۴	۴۸	افغانستان	متاهل	۶ ماه	خانه‌دار	-	زنان خانه دار
۲۴	۲۴۷۰۶۶۳۸	۳۳	افغانستان	متاهل	-	خانه‌دار	-	زنان خانه دار
۲۵	۲۴۷۰۷۱۷۶	۲۵	افغانستان	متاهل	-	خانه‌دار	-	زنان خانه دار
۲۶	۲۴۷۰۷۲۷۷	۲۷	افغانستان	متاهل	-	خانه دار	-	زنان خانه دار
۲۷	۲۴۷۰۷۲۴۴	۲۳	افغانستان	متاهل	-	خانه دار	-	زنان خانه دار
۲۸	۲۴۷۰۶۴۶۹	۳۱	افغانستان	متاهل	-	خانه دار	-	زنان خانه دار
۲۹	۲۴۷۰۶۳۷۸	۲۹	افغانستان	متاهل	-	خانه دار	-	زنان خانه دار
۳۰	۲۴۷۰۸۱۸۶	۲۵	افغانستان	متاهل	-	خانه دار	-	زنان خانه دار
۳۱	۲۰۵۰۱۸۹۹	۵۲	افغانستان	متاهل	۴ سال	آزاد	۳۵ سال	مشاغل آزاد
۳۲	۱۹۱۸۶۳۰۷	۲۷	افغانستان	مجرد	۳ سال	آزاد	۱۸ سال	مشاغل آزاد
۳۳	۲۰۴۷۸۵۴۵	۴۸	عراق	متاهل	۹ سال	کارمند	۲۰ سال	اجباری

ادامه جدول ۱- مشخصات مشارکت کنندگان در پژوهش

ردیف	شماره بیمه	سن	تبعه	وضعیت تاهل	وضعیت سابقه حق بیمه	وضعیت اشتغال	مدت اقامت در ایران	نوع بیمه
۳۴	۲۰۵۰۱۴۲۳	۳۸	افغانستان	متاهل	-	کارگر	۲۵ سال	مشاغل آزاد
۳۵	۲۰۵۰۴۵۷۰	۴۵	افغانستان	متاهل	۴ سال	کارگر	۳۰ سال	مشاغل آزاد
۳۶	۲۰۵۰۴۰۰۴	۴۳	افغانستان	متاهل	۲ سال	کارگر	۳۰ سال	مشاغل آزاد
۳۷	۵۳۱۱۷۹۲۲	۳۹	هند	متاهل	۳ سال	کارمند	۱۷ سال	اجباری
۳۸	۲۳۵۵۱۸۸۲	۴۸	هند	متاهل	۲۴ سال	کارمند	۲۷ سال	اجباری
۳۹	۲۰۴۷۸۰۳۴	۵۴	افغانستان	متاهل	۱۰ سال	کارگر	۳۰ سال	مشاغل آزاد
۴۰	۲۰۵۰۵۷۹۵	۴۴	افغانستان	متاهل	۲ سال	کارگر	۲۳ سال	مشاغل آزاد
۴۱	۲۰۴۹۵۱۸۹۰	۳۷	هند	متاهل	۵ سال	کارگر	۱۵ سال	مشاغل آزاد
۴۲	۲۰۵۰۷۸۱۰	۳۳	افغانستان	متاهل	۴ سال	کارگر	۱۳ سال	مشاغل آزاد
۴۳	۲۴۷۰۷۷۷۸	۲۴	افغانستان	متاهل	-	خانه دار	-	زنان خانه دار
۴۴	۲۴۷۰۷۷۷۹	۲۷	افغانستان	متاهل	-	خانه دار	-	زنان خانه دار
۴۵	۲۴۷۰۷۹۰۱	۲۰	افغانستان	متاهل	-	خانه دار	-	زنان خانه دار
۴۶	۲۴۷۰۷۲۳۱	۲۵	افغانستان	متاهل	-	خانه دار	-	زنان خانه دار
۴۷	۲۴۷۰۷۱۱۷	۲۹	افغانستان	متاهل	-	خانه دار	-	زنان خانه دار
۴۸	۲۴۷۰۷۱۸۶	۳۲	افغانستان	متاهل	-	خانه دار	-	زنان خانه دار
۴۹	۲۴۷۰۷۲۰۹	۲۲	افغانستان	متاهل	-	خانه دار	-	زنان خانه دار
۵۰	۲۴۷۰۷۷۱۱	۲۶	افغانستان	متاهل	-	خانه دار	-	زنان خانه دار

همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود اکثر افراد مراجعه‌کننده جوان و در سن فعالیت هستند. کمترین سن ۱۹ و بالاترین آن‌ها ۵۴ سال است. از نظر حق بیمه، ۲۷ نفر اظهار کردند که حق بیمه ندارند. ۲۳ نفر دیگر حق بیمه دارند که حق بیمه آن‌ها از ۲۸ روز تا ۲۲ سال متغیر می‌باشد. از بین مشارکت‌کنندگان ۲۵ نفر زن و ۲۵ نفر مرد هستند. تمام زنان مورد مطالعه درصدد بیمه زنان خانه‌دار هستند. ۱۷ نفر از مردان نیز بیمه مشاغل آزاد دارند و ۸ نفر بیمه اجباری هستند.

در تحلیل داده‌های خام حاصل از مصاحبه‌ها، ۴۲۵ کد اولیه و باز استخراج شد. سپس با سازماندهی داده‌ها و تعدیل و پالایش کدهای باز و اولیه و نیز حذف کدهای غیرمرتبط و انجام مقایسه‌های پایا و مراجعه مکرر به داده‌ها، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات فرعی انجام شد. مفاهیم مشابه با هم تجمیع و در نهایت ۷۸ مقوله فرعی استخراج گردید. سپس در فرآیند مقوله‌بندی بر اساس رویه تحلیلی مقایسه کردن، گروه‌بندی مفاهیم در سطحی بالاتر و انتزاعی‌تر برای دستیابی به مقوله‌های اصلی آغاز شد. در این مرحله هر مقوله فرعی با مقوله قبل از خود و با کل مفاهیم موجود مقایسه و تطابق داده شدند و بر اساس همانندی و نزدیکی، مقوله‌های اصلی ساخته شدند که شامل ۱۴ مقوله اصلی می‌باشند که در قالب شرایط علی، زمینه‌ها، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها حول پدیده محوری ساماندهی شدند. در ادامه، کدگذاری محوری ارائه و شرایط علی، زمینه‌ها، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و در نهایت پیامدهای حاکم بر پدیده محوری تحلیل شده است.

۱- پدیده محوری: فقر دانشی از قوانین و خدمات

آگاهی و دانش در خصوص تبعه‌بودن و حقوق اجتماعی مترتب بر آن، دال مرکزی و هسته محوری اتباع در خصوص چالش‌های خود در خصوص تامین اجتماعی است. پدیده محوی دارای بالاترین سطح انتزاع، شمول و تعیین‌کنندگی در چالش‌های اتباع در تامین اجتماعی خود است به نحوی که سایر مقولات مستقیم و غیرمستقیم بر آن حمل می‌شوند. اتباع به دلیل نداشتن آگاهی از مقررات کشور ایران، ترس از گرفتارشدن و بازگشت به کشور خود و نیز سطح

تحصیلات پایین، اطلاعات و دانش چندانی از مقررات و قوانین این حوزه ندارند. لذا، در مواجهه با نیازهای اجتماعی و رفاهی خود در وضعیتی به سر می‌برند که می‌توان آن را فقر دانشی در خصوص قوانین و مقررات بیمه‌ای تعبیر کرد. یکی از مشارکت‌کنندگان به‌خوبی این وضعیت را تشریح می‌کند:

دو ساله فهمیدم می‌تونیم بیمه بشیم. اگر از قانون بیمه خبر داشتیم زایمان اولم هم از دفترچه بیمه استفاده می‌کردم و اینقدر هزینه بیمارستان نمی‌دادم. آگه به ما قانون بیمه رو بگن خیلی از ما بیمه می‌شیم و از بیمه استفاده می‌کنیم.

وضعیت حاشیه‌ای اتباع و نداشتن سرمایه فرهنگی و اقتصادی بالا منجر به این شده که ادغام آن‌ها در ساخت اجتماعی کند صورت بگیرد. از سوی دیگر، چون مهاجرت آن‌ها عمدتاً غیرقانونی هست، این وضعیت خوداظهاری آن‌ها و مطالبه‌گری آن‌ها در خصوص نیازهای اجتماعی و رفاهی‌شان را ناکام گذاشته است. در واقع، به دلیل نبود ثبات در ماندگاری و وضعیت در حاشیه ماندن، تمایل چندانی به پیگیری و کسب اطلاعات در بین آن‌ها وجود ندارد.

ما از وضعیت آینده خودمون خبر نداریم که تو ایران می‌مونیم یا نه. شاید شرایط طوری بشه که ما رو برگردونن به کشورمون. اومدیم ۲۰ سال هم پول بیمه دادیم. اگر برگشتیم افغانستان، این همه پول بیمه که دادیم چی می‌شه.

۲- شرایط علی

شرایط علی نقش تعیین‌کنندگی بالایی در ظهور پدیده محوری داشته‌اند. این شرایط علی با ساماندهی در الگوهای تکراری، در قالب ۳ مقوله اصلی، سازماندهی شدند که عبارت‌اند از: «سلب امتیازات حقوق کارگری، سستی منزلت شغلی و ابهام در وضعیت ماندگاری».

سلب امتیازات قوانین کار و عواید ناشی از آن، از جمله کدهای پرتکراری بود که در بین مهاجرین وجود داشت. اتباع به دلیل وضعیت فرودستی و خودپنداره ضعیف نسبت به سایر کارگران ایرانی و نیاز به شغل و درآمد، از سوی کارفرماها از بیمه و امتیازات آن محروم می‌شوند. کارفرماها از ارائه اطلاعات و دانش در خصوص وضعیت و حقوق آن‌ها کوتاهی و در

نتیجه به نحوی آن‌ها را از حقوق خود محروم می‌کنند. هراس کارفرما از بیمه اتباع و فرایندهای ارادی/حقوقی آن در کنار خودداری کارفرما از بیمه اتباع به علت امتناع از پرداخت حق بیمه نیز در این وضعیت تاثیرگذار است. لذا، وضعیت تبعیض‌آمیزی شکل گرفته که اتباع را از حقوق خود محروم می‌سازد.

از ترس کارفرما که اخراجم نکنه دنبال بیمه شدن نیستم و بیمه اختیاری شدم. کارفرما از ترس مالیات ما رو بیمه نمی‌کنه و میگه این کار غیرقانونیه و می‌گفت دنبالش نرید چون براتون بد میشه و از ایران اخراج می‌شید.

سستی منزلت شغلی اتباع و اشتغال به کارهای درجه دوم از جمله کارگری در ساختمان‌ها، دستفروشی و کارهای یدی، شرایط لازم به منظور کسب آگاهی از انتظارات شغلی را از آن‌ها سلب کرده و در نتیجه احقاق حقوق خود را امری ثانویه می‌دانند. به سخن دیگر، اتباع در وضعیت شغلی حاشیه‌گونه‌ای قرار دارند که این امر قدرت چانه‌زنی و گفتگو را از آن‌ها سلب کرده است. اشتغال بیشتر اتباع در پیمانکاری‌ها و عدم نظارت نهادهای نظارتی همچون تامین اجتماعی بر کارکرد آن‌ها به دلیل عدم امکان بازرسی از پیمانکاری‌ها، زمینه ایجاد تبعیض در حق کارگران اتباع را فراهم کرده است. این امر در کنار بی‌مسئولیتی و سودمحوری کارفرما نسبت به رعایت حقوق اجتماعی کارگران، فشار بر آن‌ها را مضاعف کرده است. برای مثال یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه بیان می‌کند:

شوهرم کار ثابتی نداره که بخواد دنبال بیمه بره. از ترس کارفرما دنبال بیمه شدن نیستم. تو پیمانکاری مشغولیم و صاحبکار فقط ایرانی‌ها رو بیمه میکنه. من چند سالی کارگر ساده بودم و درآمدی برای بیمه نداشتم.

افزون بر این، ابهام در وضعیت ماندگاری نیز مزید بر علت است که مطالبه تامین اجتماعی از سوی اتباع با کشش لازم همراه نیست. ترس اتباع از دستگیری و بازگشت از یک سو، در کنار امیدواری به ثبات و دسترسی به وضعیت اقتصادی/اجتماعی مناسب در کشور مبدأ خود از سوی دیگر، باعث شده که درصد بیمه و حقوق اجتماعی مکفی نباشند. علاوه بر این، تمديد

در کارت اقامت و مشکلات بروکراتیک حاصل از آن علاوه بر اینکه مستلزم صرف وقت زیادی است، هزینه‌هایی بر آن‌ها متحمل می‌کند که خود در این زمینه موثر است.

۳۰ ساله تو ایران زندگی می‌کنم هنوز منو بعنوان شهروند قبول ندارند. سه تا فرزندم تو ایران

بندیا اومدن ولی باز هر سال باید کارت اقامت رو تمدید کنم.

آثار ابهام در ماندگاری و عدم ثبات مکانی خود را به صورت عدم بهره‌مندی از تعهدات بلندمدت تأمین اجتماعی نیز نشان داده است. این ابهام منجر به این شده که آن‌ها نتوانند به سرمایه‌گذاری بلندمدت برای ارتقای کیفیت زندگی خود بپندیشند. از این‌رو، سرمایه‌گذاری در جهت کیفیت زندگی و بهره‌مندی از خدمات اجتماعی و رفاهی را عبث و بیهوده می‌دانند که مواهب آن ممکن است به آن‌ها برنگردد. این امر باعث شده که حتی اتباع بیشتر درصدد خدمات کوتاه‌مدت مانند دفترچه بیمه درمانی، خدمات زایمان و غیره باشند تا دریافت‌های بازنشستگی.

نمی‌دونیم تا کی تو ایران هستیم که بخوایم بیمه بدیم. شاید فردا یک قانونی اومد که دیگه ما رو بیمه

نکنن. اومدیم ۲۰ سال هم بیمه رو دادیم، اگر برگردوندنمون این پول‌ها چی میشه!

۳- زمینه‌ها (بسترها)

بسترها در سه مقوله اصلی «ناهمسانی در ارائه خدمات بیمه‌ای، ضعف تمکن مالی اتباع و سختگیری قوانین مهاجرتی» خود را نشان دادند که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

منظور از ناهمسانی در ارائه خدمات بیمه‌ای، محدودیت‌هایی است که با توجه به قوانین مهاجرت برای اتباع ایجاد شده است که آن‌ها را از برخی تعهدات بیمه‌ای سازمان تأمین اجتماعی محروم می‌سازد. ناهمسانی در ارائه خدمات بیمه‌ای بین ایرانیان و اتباع شامل عدم تعلق بیمه بیکاری به اتباع، عدم صدور مجوز جهت اشتغال زنان اتباع و محرومیت زنان اتباع از امتیازات بیمه اجباری است. این وضعیت را می‌توان به خلاء سیاستگذارانه نیز تعبیر کرد که در آن قوانین مکفی در خصوص اتباع و تأمین اجتماعی آن‌ها جامع و مانع نیست.

من چند ساله توی تولیدی مانتوکار می‌کنم ولی بیمه ام نکردند میگن خلافه. حاضریم جای ۳

درصد ۶ درصد بدم و بیمه بیکاری داشته باشم. وقتی بیمه بیکاری به ما نمی‌دن بیمه چه

فایده ای داره.

ضعف تمکن مالی از مهمترین چالش‌های اتباع است. این امر بر مطالبه تامین اجتماعی اتباع نقش موثر و غیرقابل اجتنابی داشته است. از آنجایی که دریافت کارت اتباع نیازمند صرف هزینه بالایی است، لذا خیلی از آن‌ها از مطالبه تامین اجتماعی منصرف می‌شوند. هزینه تمدید کارت کار و اقامت زیاده، خیلی‌ها قید بیمه رو می‌زنن. درآمد ثابت ماهانه ندارم. یک وقت خوبه و یک وقت نه و هزینه بیمه برای ما که درآمد بالایی نداریم سنگینه. قوانین سختگیرانه مهاجرتی نیز از مقولاتی است که به کرات تکرار می‌شد و کدهای بسیاری در مصاحبه‌ها نشانگر آن بود مقوله قوانین مهاجرت ایران در میزان استقبال و پیگیری اتباع از خدمات تامین اجتماعی نقش بسزایی دارد. روند بروکراتیک طولانی مدت و فرایندهای سختگیرانه احراز هویت، در کنار فقر آگاهی اتباع باعث شده که آن‌ها تمایل کمتری به بیمه و دریافت خدمات اجتماعی داشته باشند. اتباع به منظور تامین نیازهای مادی خود نیازمند کار هر روزه هستند و از این حیث نمی‌توانند زمان زیادی را صرف زمانی دریافت کارت مهاجرت و دوندگی‌های آن کنند.

برای اینکه بیمه بشیم ۲۰ تا اداره باید بریم مجوز بگیریم. کارت کار و اقامت چه ربطی به بیمه شدن ما داره؟ تمدید کارت کار دوندگی زیادی داره و خیلیا دنبالش نمیرن.

۴- شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر بر راهبردها تاثیر می‌گذارند و از جهتی نیز در کنار زمینه‌ها روند پدیده محوری را کند و یا تسریع می‌کنند و نقش فعالی در این زمینه دارند. در اینجا، شرایط مداخله‌گر سه مقوله «ضعف عملکرد تامین اجتماعی، حس فرودستی و خودپنداره تبعه‌بودن و سیاست‌زدگی ارزیابی‌های کارشناسانه» هستند.

ضعف عملکرد تامین اجتماعی خود را در عدم نظارت و پیگیری مطالبات اتباع نشان می‌دهد. فشارهای کارفرما با استفاده از اطلاعات خود در جهت دورزدن اتباع باعث شده که حقوق آن‌ها تضییع شود. برخی از اتباع با توجه به اشتغال در مراکز رسمی، مانند اشتغال در موسسه صدر که وابسته به دولت عراق است، بصورت مرتب لیست بیمه آن‌ها توسط کارفرما به

شعب ارسال و تحت پوشش بیمه قرار می‌گیرند و خود کارفرما به دلیل پیشگیری از جرایم مربوطه نسبت به بیمه کارگران اتباع اقدام می‌کنند.

اتباع و مهاجران به دلیل مهاجرت، نداشتن همانندگی فرهنگی و اقتصادی با جامعه مقصد، ادغام ناقص و نیز سرمایه فرهنگی کم، حس فرودستی و خودپنداره منفی را تجربه می‌کنند. این امر باعث شده که مطالبه رفاه و تأمین اجتماعی را حق خود ندانند و از این حیث درصدد احقاق حقوق خود باشند. وجود انگ‌های مختلف، نگاه‌های کلیشه‌ای و تبعیض‌آمیز و نیز تصورات قالبی «خود» و «دیگری» در خصوص این دسته از افراد مانع از آن می‌شود که با انگیزه بالا مطالبات خود را پیگیری کنند. بنابراین، شرایطی تضادگونه و متعارضی رخ داده که ارزش‌های یک «زندگی خوب» را دست‌یافتی نمی‌دانند.

همین که ایرانی نباشی خیلی بهت بد و بیراه می‌گن. کار بهت نمیدن، بیمه برات رد نمیکنن و فکر میکنن کل مشکلات مملکت از این مهاجران و اتباعه.

این وضعیت در سطحی دیگر با سیاست‌زدگی و ارزیابی‌های کارشناسانه نیز همراه است. به این معنا که به دلیل آسیب‌های اجتماعی و نیز فشارهای ناشی از مهاجرت‌های بی‌رویه، سعی می‌شود که با کاهش مزایای رفاهی به آن‌ها مانع از ماندگاری آن‌ها شوند. از این حیث سعی می‌شود که با پس‌راندن آن‌ها و ایجاد زندگی حاشیه‌ای مانع کنش‌های اعتراضی و مطالبات فزاینده آن‌ها شوند.

به ما می‌گن شما بیمه می‌شید حق ما رو می‌خورید و در دسر ایجاد می‌کنید. از پول ما به شما خدمات می‌دن. سیاست دولت ایران اینه که ما رو بیمه نکنن.

۵- راهبردها

راهبردها کنش‌هایی هستند که افراد در برابر پدیده محوری بکار می‌گیرند. این راهبردها می‌توانند منفعلانه و یا فعالانه باشند. راهبردهای اتخاذشده توسط اتباع دو شکل به خود گرفته است. در حالت اول فعالانه با ارتباطات و کنش‌های هم‌ارز اجتماعی سعی دارند که از وضعیت خود آگاه شده و به حقوق تأمین اجتماعی خود واقف شوند. در حالت دوم، اتباع به دلایلی از

جمله ناتوانی مالی، فشارهای کارفرما، فرودستی موقعیت شغلی، سیاست‌های ناهمسان و نیز خلاء سیاستگذارانه و سیاست‌زدگی مسائل اتباع که هر کدام از آنها در مقولات فوق تشریح شد، در برابر وضع موجود منفعلانه راهبرد تسلیم و انفعال را بکار گرفته‌اند. لذا، راهبردها در دو مقوله، «ارتباطات و کنش‌های هم‌ارز و سیاست امنیت بقاء» خود را نشان می‌دهد.

در ارتباطات و کنش‌های هم‌ارز اجتماعی، اتباع به موجب ارتباطات و کسب اطلاعات از سایر اتباع فعالانه وارد عمل شده و نسبت به بیمه، حقوق کار و سایر حقوق اجتماعی خود واقف و آگاه شده و از این طریق سعی دارند که بر چالش‌های این حوزه غلبه کنند. یاری یکدیگر در آگاهی‌دادن قوانین بیمه‌ای در جهت کاهش هزینه‌های زندگی، اطلاع‌رسانی به همدیگر در راستای بهره‌برداری بهتر از امتیازات اجتماعی و اقتصادی، نقش موثر دوستان و اقوام در استفاده بهتر از حقوق اجتماعی اتباع و آگاهی از قوانین مربوطه از طریق مراجع غیررسمی از کدهایی بودند که از سوی اتباع مورد تاکید قرار می‌گرفت. برای مثال، یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه بیان می‌کند:

از طریق دختر خاله‌ام متوجه شدم که با دفترچه بیمه هزینه زایمانم خیلی کم میشه. بستگان گفتن که اگه بیمه داشته باشی برای زایمان خیلی کمکت می‌کنه.

در همین راستا، یکی دیگر از اتباع اظهار می‌کند:

ما اتباع نزدیک هم زندگی می‌کنیم و به همدیگه خبر می‌دیم. از طریق همسایه فهمیدم باید پیام اینجا خودم رو بیمه کنم.

در راهبرد دوم که منفعلانه است، اتباع به دلایل مختلفی که در ابتدای راهبردها اشاره شد، سعی دارند که از حقوق خود صرف‌نظر کنند. در واقع، مشکلات ناشی از بیمه و تامین اجتماعی مستلزم نگرانی‌های مالی و غیرمالی است. از نظر مالی، این نگرانی‌ها برای اتباعی که درآمد و امنیت اقتصادی ندارند، معیشت پایدار آنها را با مخاطره روبرو می‌سازد. از نظر غیرمالی، با مراجعه به سازمان‌های مربوطه و شناسایی آنان، این امکان فراهم می‌شود که به کشور خود بازگردانده شوند. بنابراین، می‌توان از سیاست بقاء تعبیر کرد که اتباع غیرفعالانه اما در عین حال آگاهانه سعی دارند از مزایای تامین اجتماعی محروم سازند.

به اصرار زخم او مدم دنبال بیمه و گرنه خودم خیلی دنبالش نیستم. کلا رفتار کارکنان بیمه با ما خیلی خوب نیست.

۶- پیامدها

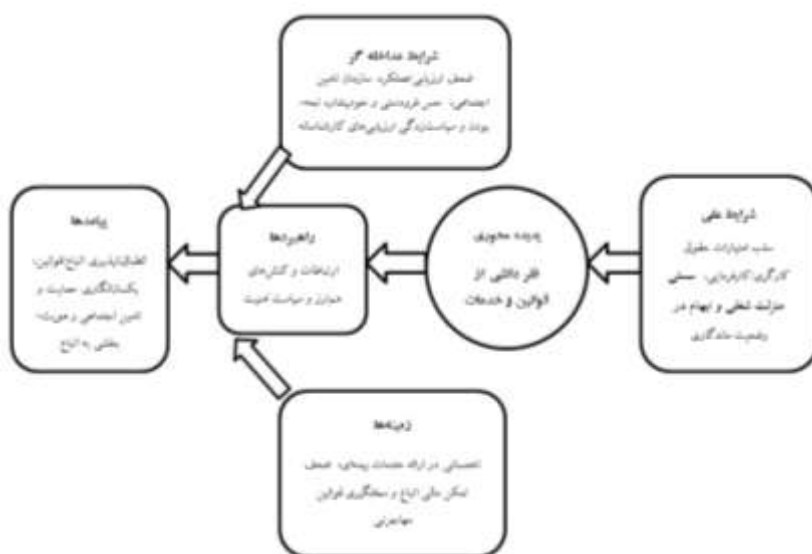
پیامدها نتیجه اتخاذ راهبردها هستند. هر راهبردی پیامدی دارد. پیامدهای موردنظر نیز در سه مقوله خود را نشان دادند: «انطباق‌ناپذیری اتباع/قوانین، یکسان‌انگاری حمایت تأمین اجتماعی و هویت‌بخشی به اتباع». در دو مقوله اول، پیامدها برای اتباع چندان مثبت نیست، اما در مقوله سوم با برخورداری از تأمین اجتماعی، به رسمیت‌شناسی رخ می‌دهد و اتباع سیاست بقاء را کنار گذاشته و نوعی امنیت وجودی پیدا می‌کنند.

در مقوله، انطباق‌ناپذیری اتباع/قوانین، قوانین و اتباع با همدیگر سازگاری معنایی و عملکردی ندارند. در زمانی قوانین همگام با نیازها نیستند و در هنگامی اتباع به حقوق خود واقف نیستند. لذا، نوعی تعارض منافع رخ داده و همپوشانی معنایی بین اتباع و قوانین وجود ندارد. علاوه بر این، به دلیل شرایط نازل زندگی اتباع و ناآگاهی‌شان از حقوق اجتماعی و قوانین موجود، بین دو مفهوم حمایت اجتماعی و تأمین اجتماعی خلط معنایی ایجاد می‌شود. با وجود اینکه حمایت اجتماعی در راستای تأمین اجتماعی افراد است، اما تأمین اجتماعی اولاً بار معنایی شمول‌تری دارد و دوم اینکه معنای ترحمی و صدقه‌گونه حمایت اجتماعی بیشتر است. حمایت‌های اجتماعی معمولاً شامل از کارافتادگی و ناتوانی شده و بیشتر شامل اتباعی می‌شود که واقعاً نیازمند کمک هستند و در نتیجه شمول کمتری دارد و شامل کلیه اتباع نمی‌شود.

فکر می‌کنند به ما صدقه می‌دن. ما پول بیمه می‌دیم. وقتی به صاحب کارم می‌گم منو بیمه کنه انگار داری بهش ناسزا می‌گی. می‌گن شما بیمه می‌خواهید چه کار؟

مقوله هویت‌بخشی، به این معناست که با پذیرش حداقل حقوق اجتماعی آن‌ها و ارائه خدمات اجتماعی، نوعی به رسمیت‌شناسی برای آن‌ها رخ داده است. از این طریق با داشتن کارت اتباع، دفترچه بیمه، کمک‌هزینه‌های زایمان و سایر خدمات این حوزه، تعلقات آن‌ها افزایش پیدا کرده است. از این حیث، زمینه‌های مشارکت فعال آن‌ها به‌عنوان شهروند افزایش

یافته و با پرداخت حق بیمه، تضمین حقوق کار و اشتغال آن‌ها و دریافت مزایای تامین اجتماعی، حس فرودستی اجتماعی آن‌ها کاهش می‌یابد. آثار این وضعیت، علاوه بر اینکه منجر به کاهش آسیب‌های اجتماعی آن‌ها می‌شود، منجر به تسریع ادغام اجتماعی آن‌ها در ساخت اصلی جامعه را نیز فراهم می‌سازد.



شکل ۱- مدل تنویکی تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه بر اساس سازوکارهای بین‌المللی و منشور حقوق بشر، توجه به حقوق اجتماعی اتباع و مهاجران به امری متداول تبدیل شده و کشورها سعی دارند به نوعی حقوق همه شهروندان بومی و غیربومی خود را تامین کنند. در کشور ما نیز بر اساس اهداف انقلاب اسلامی، کمک به افراد فراتر از بوم و سرزمین یک امر پذیرفته‌شده است. افزون بر این، سازمان تامین اجتماعی بر اهداف خود سعی کرده تا حد امکان براساس قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی حقوق اتباع را تامین کند. اما با این حال، به دلایلی مختلف از جمله ضعف آگاهی، فرایندهای بروکراتیک، عدم تمایل اتباع و نیز عدم شناسایی کامل مهاجران واردشده (به دلایل غیرقانونی)، چالش‌های

فراروی اتباع و سازمان تأمین اجتماعی وجود داشته که امکان برقراری تأمین اجتماعی اتباع را دشوار می‌سازد.

اتباع و مهاجران، به دلیل نداشتن تحصیلات بالا، اشتغال به کارهای یدی، ترس از بازگشت، مسائل سیاسی و نیز مسائل کارگری/کارفرمایی، با نوعی فرودستی روبرو هستند. این امر قدرت چانه‌زنی و تحرک اجتماعی آن‌ها را دشوار ساخته است. علاوه بر این، عمدتاً نسبت به اتباع رفتارهای منفی و فرودستانه وجود دارد و این امر در بیمه‌شدن اتباع بیگانه و استفاده آنان از خدمات بیمه‌ای و درمانی تأمین اجتماعی نقش بسزایی داشته است؛ به طوری که در ارائه حقوق اجتماعی و حق شهروندی آنان تعامل درستی صورت نگرفته و همین امر در تصمیم‌گیری مسئولین مربوطه نسبت به اتباع قابل رویت می‌باشد و بعضاً ارائه خدمات به آنان با کارشکنی-هایی روبرو است که در روابط کارگری/کارفرمایی و ارائه خدمات و مزایایی شغلی به اتباع کاملاً مشهود است.

آنچه محل نظر و شایان توجه است، این است که از دو جنبه می‌توان چالش‌های اتباع را تا حدی کاهش داد: اول، توجه به ارزیابی/عملکرد سازمان‌های ذیربط در جهت رفع تبعیض نسبت به اتباع و دوم، ارائه بسته‌های دانشی به منظور ارتقای آگاهی آن‌ها از حقوق و مقررات تأمین اجتماعی اتباع. این امر که سیاستی ساختاری و عاملیتی است کمک می‌کند اتباع به مثابه عاملیت‌ها و هویت‌های اثرگذار نسبت به حقوق خود آگاه شده و فعالانه در این موقعیت‌های متعارض بکوشند و در جهت دسترسی به امکانات موجود و خدمات بالقوه خود آگاه شوند. از سوی دیگر، از حیث ساختاری با تنظیم نظارت‌های صواب و منطقی می‌توان در میدان‌های مختلف مشکلات آن‌ها را بازشناسایی کرده و در نهایت با ادراک زمینه‌ای از موقعیت‌های مختلف شغلی و اجتماعی آن‌ها، نسبت به قوانین جرح و تعدیل لازم را به عمل آورده و به‌نوعی بر خلاء سیاستگذارانه در این حوزه غلبه کند.

از حیث نظری باید گفت که یافته‌های این مطالعه با رویکرد «شهروندی متفاوت» که فرض می‌گیرد همه شهروندان، اشخاصی آزاد و برابر و در جایگاه شهروندی یکسانی هستند همسان

است. در این مطالعه تفکیک میان حقوق و تعهدات فرد به‌مثابه یک شهروند و عضویت وی در گروه‌های خاص بر پایه قومیت، زبان، مذهب، طبقه و شأن اجتماعی مورد تأکید قرار گرفت. رالز نیز از منظر عدالت به حق رفاه و تامین اجتماعی افراد می‌پردازد و براین اساس استدلال می‌کند باید افراد فارغ از تعلقات اجتماعی/سیاسی از حقوق حداقلی و پایه برخوردار باشند. اما، با رویکرد «بنکس» و چهار نوع شهروندی: قانونی، حداقلی، فعال و تحولی منطبق نیست، زیرا با وجود آنکه اتباع از نظر قانونی پذیرفته شده‌اند، اما از نظر عینی و حقوق اجتماعی با چالش‌های زیادی روبرو هستند که احقاق حقوق آن‌ها را دشوار ساخته است. از نظر پیشینه مطالعاتی، یافته‌های این مطالعه، با پژوهش براتی و همکاران (۱۳۹۹) و مهربانی (۱۳۹۷) منطبق است. این پژوهش‌ها بر تعهدات تامین اجتماعی و ضعف ضمانت اجرای اسناد بین‌المللی تأکید دارند که در مقوله ضعف ارزیابی/علم‌کرد سازمان تامین اجتماعی و ضعف نظارتی و نیز قوانین سختگیرانه اتباع به آن پرداخته شد. نتایج مطالعه شمس‌آبادی (۱۳۹۶) بر شرط اخذ مجوزهای قانونی جهت اقامت و اشتغال وفق قوانین و مقررات موجود تأکید دارد که با مقوله انطباق-ناپذیری قوانین/اتباع همسواست. زاهدی (۱۳۹۳) بر رویه‌های قانونی اخذ مجوز و سختی‌های اسکان توجه دارد که در مقوله سیاست‌زدگی و امنیت حاصل از وجود اتباع به این چالش توجه شد. افزون بر این، جلیس (۲۰۱۳) بر مشکلات معیشتی اتباع بیگانه در ایران و دستمزدهای پایین‌تر کارگران افغانی نسبت به هم‌تایان ایرانی توجه داشت. در این مطالعه نیز بر: سلب امتیازات کارفرمایی/کارگری و نگاه فرودستی به اتباع تأکید شد. بنابراین، از این حیث با مطالعه حاضر همسواست. در مطالعه کارنی و بوچر (۲۰۱۰) ناآگاهی نسبت به حقوق خود به‌مثابه عامل کلیدی در مسائل تامین اجتماعی اتباع ذکر شد که این یافته با مقوله محوری مطالعه حاضر، یعنی فقر دانشی در خصوص مقررات و قوانین تامین اجتماعی قرابت معنایی تامی دارد. در نهایت، از منظر برون و کریستینسن (۲۰۱۳) مهاجرین از حقوق و وظایف برابر در شهر برخوردارند که رویکرد رالز را تأیید می‌کند که به‌عنوان یکی از رویکردهای نظری/مفهومی مطرح در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته است.

در مجموع، امروزه اتباع و سازمان تامین اجتماعی در شهر تهران، با مشکلاتی زیادی مواجه هستند که باعث گردیده که هزینه‌های اتباع و این سازمان به شدت رو به افزایش باشد و این امر تبدیل به یکی از مهمترین دغدغه‌های سیاستگذاران و تصمیم‌گیران صندوق‌های تامین اجتماعی شده است. به منظور رفع این چالش و تامین حقوق حقه اتباع لازم است که از طریق قوانین بین‌المللی و نیز قوانین موجود در خصوص وظایف و تعهدات دوگانه اتباع و سازمان تامین اجتماعی هم‌افزایی ایجاد شود که بتوان از طریق آن در خصوص پرداخت حق بیمه، شرایط قانونی عضویت مشروع و قانونی آنها، اشتغال به کارهای رسمی، نیمه‌رسمی و همسان‌سازی حقوق اجتماعی آنها با ایرانیان تصمیمات لازم گرفته شود.

منابع

- ارشاد، ویم‌فون؛ مایکل اپیلکا و بریگیت فوافینگر (۱۳۹۶)، *فرهنگ و دولت رفاه*، (ترجمه ابوذر قاسمی‌نژاد)، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- آزادی، پورجعفر (۱۳۹۸)، *سازمان بین‌المللی کار*، تهران، انتشارات مجد. (جلد سوم)، صص ۲۷
- براتی، جعفر؛ احمد خسروی و حسن شعبانی‌نژاد (۱۳۹۹)، «حق دسترسی کارگران مهاجر به حمایت‌های تأمین اجتماعی به موجب اسناد بین‌الملل و موافقت‌نامه‌های دوجانبه کار»، *تأمین اجتماعی*، سال ۱۵، شماره دوم، صص ۱۵۳-۱۳۳.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا و موسی عنبری (۱۳۸۳). *تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجرین افغانی، نامه علوم اجتماعی*، دوره ۱۱، شماره ۳، (پیاپی ۲۳)، صص ۴۳-۶۸.
- خبر آنلاین، اخبار اقتصادی ایران و جهان، ۲۲ دیماه ۹۹.
- زاهدی، جاوید، احمد پوراحمد و کرامت اله زیاری (۱۳۹۳)، *سنجش کیفیت زندگی شهری مهاجران افغان مقیم ایران با رویکرد ذهنی، پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری*، دوره ۲، شماره ۱، صص ۱۵-۱.
- شمس آبادی، زهره (۱۳۹۶) *مسائل حقوق بیمه اجتماعی اتباع بیگانه در ایران، چهارمین کنفرانس جهانی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد و حسابداری*، دانشگاه شیراز، مرکز همایش‌های واحد پردیس بین‌الملل، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۶.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۱)، *شهروندی و رفاه اجتماعی، رفاه اجتماعی*، دوره ۱، شماره ۴، صص ۹-۲۴.
- علیخانی، مریم (۱۳۹۳) *حق اشتغال و حقوق کار مهاجرین خارجی در ایران و اسناد بین‌الملل، مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره ۵۳، صص: ۱۶-۱۸.
- قاسمی آشوب، احمدعلی (۱۳۹۶) *نگاهی به جایگاه بیگانگان در حقوق بین‌الملل، مجله حقوقی بین‌الملل*، شماره ۳۱، صص ۱۷-۲۱.
- محبوبی‌شریعت‌پناهی، نسیم‌السادات؛ عبدالرضا رکن‌الدین‌افتخاری، محمد فرجیها، لیلا فلاحتی (۱۳۹۸)، «تحلیل محتوایی حقوق شهروندی اجتماعی زنان در برنامه‌های پنج ساله توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، *پژوهش‌نامه زنان*، سال دهم، شماره دوم، صص ۱۴۳-۱۷۱.

- مهربانی، حسین (۱۳۹۷) تشریح شرایط بیمه اتباع خارجی در ایران، در مجموعه مقالات کنگره بین المللی حقوق، وبسایت آریا نوین.
- نیکوئی، مجید (۱۳۹۱)، «رویکردی انتقادی به حقوق بشر بین‌الملل در پرتو نظریه عدالت جهانی جان رالز»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۷۹، صص ۱۵۳-۱۲۵
- وزارت کشور (۱۳۹۸) *گزارش اجتماعی اتباع و مهاجرین*، تهران: دفتر مطالعات اجتماعی
- Banks, J. A. (2008). Diversity, Group Identity, and Citizenship Education in a Global Age. *Educational Researcher*, 37(3), 129-139. <https://doi.org/10.3102/0013189X08317501>
- Brown, A. and A. Kristiansen (2013), Urban Policies and the Right to the City: Rights, responsibilities and citizenship, UNESCO and UN-Habitat: MOST-2 Policy Paper Series.
- Carney, Terry & Boucher, Anna (2010), Social Security and Immigration: An Agenda for Future Research. Social Science Research, Online available at: <http://ssrn.com/abstract=153:1973>.
- Oldfield, A. (1990). *Citizenship and Community: Civic Republicanism and the Modern World*. London: Routledge.
- Rawls, J. (2001a), *Law of Peoples*, Cambridge, Harvard University Press.
- Rawls, J. (2001b), *Justice as Fairness: A Restatement*, Harvard: Harvard University Press.
- Turner B.S. (2000), Islam, Civil Society and Citizenship: Reflection on the Sociology of Citizenship and Islamic Studies, In N.A. Butenshon, U. Davis and M. Hasasian, *Citizenship and the State in the Middle East: Approaches and Applications*, (pp: 28-48), New York: Syracuse University Press.
- UNHCR (2003) Afghanistan Refugees Return to Uncertain Future. Internet news, Jun2003

Application of Grounded Theory on social security challenges of immigrants living in Tehran (Case study: Citizens of foreign countries visiting the Bureau of Social Security of West of Great Tehran)

Mehdi Bayat¹, Hosein Aghajani-Mersa², Zahra Hazrati- Sowme'eh³

Abstract Immigrants face social security challenges after entering Iran. The purpose of this study is to investigate the challenges of immigrants and citizens of foreign countries regarding social security. The research method was qualitative and the study population were citizens of foreign countries visiting the Bureau of Social Security of West of Greater Tehran. The research sample was selected by "purposeful" and "theoretical" methods and the theoretical saturation was obtained after interviewing 50 persons. The data analysis resulted in extracting 425 primary codes, 78 sub-categories and 14 main categories. The central phenomenon is the "poverty of knowledge about laws and services." The causal conditions governing the central phenomenon are "deprivation of labor rights, weakness of job status and ambiguity in the status quo." The existing areas include "heterogeneity in the provision of insurance services, weak financial means of immigrants and tightening of immigration law", which influence the central phenomenon through the intervening conditions of "poor performance of social security, sense of inferiority and negative self-concept about citizenship". The strategies adopted by citizens of foreign countries are "equivalent communications and actions and the policy of survival security". The results show that paying attention to the performance of the relevant organizations in eliminating discrimination against immigrants and providing knowledge packages to raise their awareness of social security rights and regulations can solve some of their challenges.

Keywords Immigrants, Social security, Knowledge poverty, Citizenship Rights, Job Dignity.

Received: 2021.06.14

Accepted: 2021.09.20

1 PhD Candidate in Sociology, Islamic Azad University, Science and Research Branch, mehdi.bayat@srbiau.ac.ir

2 Associate Professor of Sociology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, (Corresponding Author) a-marsa1333@yahoo.com

3 Associate Professor of Sociology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, hazrati14@yahoo.com

DOI: <https://dx.doi.org/10.22034/jpai.2021.538986.1197>